نماینده امور ایران در دولت اول ترامپ تأکید کرد

تهران برنده دور اول مذاکرات مسقط

تحلیل

الیوت آبرامز
نماینده امور ایران در دولت اول ترامپ

عکس: AFP

مذاکرات ایران و آمریکا در ۱۲ آوریل آغاز شد و دور اول به‌وضوح به سود ایران تمام شد. چرا؟

اولاً، ایالات متحده خواستار مذاکرات مستقیم بود، در حالی که ایران مذاکرات غیرمستقیم را ترجیح می‌داد. مذاکرات در عمان به‌صورت غیرمستقیم انجام شد و وزیر خارجه عمان نقش واسطه را ایفا کرد. به نظر می‌رسد که بین استیو ویتکاف نماینده آمریکا و عباس عراقچی وزیر امورخارجه ایران، یک گفت‌وگوی ابتدایی و دست دادن انجام شد، اما بیش از این پیش نرفت.

ثانیاً، انتقاد اصلی از برجام، توافق اوباما با ایران در سال ۲۰۱۵، این بود که فقط به موضوع سلاح‌های هسته‌ای پرداخت و از فعالیت‌های منطقه‌ای و برنامه موشکی ایران چشم‌پوشی کرد. طبق گزارش‌های رسانه‌ای، مذاکرات عمان فقط به مسائل هسته‌ای پرداخته است. این دقیقاً همان چیزی است که ایران می‌خواهد.

ثالثاً، به نظر می‌رسد ایالات متحده از همان ابتدا علامتی از ضعف فرستاده است- با کنار گذاشتن هدف پایان دادن به برنامه هسته‌ای ایران. به گفته نیویورک تایمز: «آقای ترامپ و آقای ویتکاف نشان دادند که خط قرمز واقعی آنها این است که ایران هرگز قادر به ساخت سلاح هسته‌ای نباشد؛ با وجود درخواست‌های شدید مقامات دولت ترامپ پیش از مذاکرات مبنی بر اینکه ایران باید برنامه هسته‌ای خود را به طور کامل برچیند و همچنین برنامه موشکی‌اش و حمایت از نیروهای نیابتی منطقه‌ای را کنار بگذارد.» (فعلاً نادیده می‌گیریم که تایمز در یک گزارش خبری، درخواست برای توقف حمایت ایران از شبه نظامیان خارج از مرزهای خود و ساخت موشک‌های بالستیک قاره‌پیما را «شدید» توصیف کرده است.)

رویکردهای مذاکره‌ای آقای ویتکاف قابل درک نیست. او درست پیش از مذاکرات به وال استریت ژورنال گفت: «فکر می‌کنم موضع ما با برچیدن برنامه شما آغاز می‌شود. این موضع ما در حال حاضر است. البته این به آن معنا نیست که در حاشیه، راه‌های دیگری برای یافتن سازش میان دو کشورمان پیدا نکنیم. خط قرمز ما این است که برنامه هسته‌ای شما نباید به سمت تسلیحاتی شدن برود.» این تعریف یک امتیاز پیش‌دستانه است: «این خط قرمز من است-اما اگر نمی‌پسندید، خط قرمز دیگری پیدا می‌کنم.»

اگر هدف ویتکاف رسیدن به توافقی است که تنها شامل بازرسی‌های آژانس بین‌المللی انرژی اتمی از برنامه سلاح‌های هسته‌ای ایران باشد، در حالی که ایران همچنان به حمایت از گروه‌هایی مانند حماس، حزب‌الله و انصارالله ادامه دهد و به توسعه موشک‌های دوربرد ادامه دهد، پس او خواهان همان برجام ا ست.

رئیس‌جمهوری ترامپ در سال ۲۰۱۸ از برجام خارج شد و گفت: «توافق ایران یکی از بدترین و یک‌طرفه‌ترین معاملاتی است که ایالات متحده تاکنون وارد آن شده.» چرا؟ چون به گفته دولت او: «برجام ایران را غنی کرد و به رفتارهای آن قدرت بخشید، در حالی که در بهترین حالت، فقط توانایی ایران برای دستیابی به سلاح هسته‌ای را به تأخیر انداخت و اجازه داد تحقیقات و توسعه هسته‌ای را حفظ کند» و «برجام به تهدید برنامه موشکی ایران نپرداخت.»

در آنچه دولت ترامپ در برگه اطلاعاتی خود در ۱۸ مه ۲۰۱۸ اعلام کرده، آمده است:

رئیس‌جمهوری ترامپ صراحتاً اعلام کرده که علاوه بر آنکه ایران هرگز نباید سلاح هسته‌ای بسازد، باید:

ـ هرگز موشک بالستیک قاره‌پیما (ICBM) نداشته باشد، توسعه هرگونه موشک هسته‌ای را متوقف کند و از گسترش موشک‌های بالستیک به دیگران خودداری کند.

> انتقاد اصلی از برجام، توافق اوباما با ایران در سال ۲۰۱۵، این بود که فقط به موضوع سلاح‌های هسته‌ای پرداخت و از فعالیت‌های منطقه‌ای و برنامه موشکی ایران چشم‌پوشی کرد. طبق گزارش‌های رسانه‌ای، مذاکرات عمان فقط به مسائل هسته‌ای پرداخته است. این دقیقاً همان چیزی است که ایران می‌خواهد

ـ حمایت خود از نیروهای منطقه‌ای نظیر حزب‌الله، حماس، طالبان و القاعده را پایان دهد.

ـ به جست‌وجوی علنی خود برای ضربه اسرائیل پایان دهد.

ـ تهدیدات خود علیه آزادی کشتیرانی بویژه در خلیج فارس و دریای سرخ را متوقف کند.

ـ به تشدید درگیری با ارسال تسلیحات به یمن پایان دهد.

ـ حملات سایبری علیه ایالات متحده و متحدان ما، از جمله اسرائیل را متوقف کند.

به نظر می‌رسد این خواسته‌ها در حال فراموش شدن هستند. اگر ترامپ به دنبال یک توافق سریع و سطحی باشد، ایران قطعاً با آن موافقت خواهد کرد- در ازای لغو بخشی یا تمام تحریم‌های آمریکا- و بار دیگر، توافقی حاصل خواهد شد که «ایران را غنی کرده و به رفتارهای آن قدرت خواهد بخشید، در حالی که در بهترین حالت، فقط دستیابی تهران به سلاح هسته‌ای را به تأخیر خواهد انداخت و اجازه ادامه تحقیق و توسعه هسته‌ای را خواهد داشت.»

با وجود یک تهدید نظامی بسیار معتبر علیه برنامه سلاح‌های هسته‌ای ایران، ایالات متحده می‌تواند خواسته‌های بسیار بیشتری را مطرح کند نسبت به آنچه اوباما و وزیر خارجه‌اش جان کری در سال ۲۰۱۵ انجام دادند. اما بر اساس اطلاعات اندکی که فعلاً در دسترس است، ویتکاف قرار است دقیقاً همان چیزی را به ایران بدهد که آنها می‌خواهند.

نیویورک تایمز در ۱۱ آوریل گزارش داد که مقامات ارشد ایران با مذاکرات با ایالات متحده موافقت کرده اند. امتیازدهی پیش‌دستانه یادآور مذاکرات اوباما/کری است، که از همان آغاز پذیرفتند ایران می‌تواند اورانیوم غنی‌سازی کند، در حالی که پیش از آن، موضع واحد ایالات متحده، اروپا، روسیه و چین این بود که ایران نباید غنی‌سازی کند.

منبع: CFR

گزارش

واشنگتن از اعمال تعرفه ۲۴۵ درصدی بر کالاهای چینی عقب نشست

شروط «شی» برای گفت‌وگو با ترامپ

عکس: CNN

دولت ترامپ صبح چهارشنبه تأیید کرد که نرخ پایه تعرفه بر واردات کالاهای چینی به ایالات متحده همچنان ۱۴۵ درصد باقی مانده است، پس از آن‌که یک برگه اطلاعاتی کاخ سفید که بعدازظهر سه‌شنبه به وقت واشنگتن منتشر شد، اعلام کرد چین «اکنون با تعرفه‌ای تا سقف ۲۴۵ درصد بر واردات به ایالات متحده مواجه است که نتیجه اقدامات تلافی‌جویانه آن است.»

این رقم شامل تعرفه‌های از پیش موجود بر برخی محصولات چینی نیز می‌شود، مانند خودروهای برقی که پیش از دوره دوم ریاست جمهوری ترامپ با تعرفه ۱۰۰ درصد مواجه بودند، به گفته یکی از مقامات کاخ سفید. آن تعرفه‌های قدیمی به نرخ ۱۴۵ درصد ترامپ افزوده شده‌اند.

وزارت بازرگانی چین در بیانیه‌ای اعلام کرد که این کشور نرخ تجمیعی تعرفه بر برخی صادرات را ۲۴۵ درصد دانسته و بار دیگر تأکید کرده است که اگر ایالات متحده به آسیب زدن به منافعش ادامه دهد، تا پایان خواهد جنگید.

چین خواهان آن است که پیش از پذیرش گفت‌وگوهای تجاری، دولت دونالد ترامپ چندین اقدام مشخص انجام دهد؛ از جمله نشان دادن احترام بیشتر از طریق مهار اظهارات تحقیرآمیز اعضای کابینه‌اش، به گفته فردی آگاه از دیدگاه‌های دولت چین. به گفته این فرد که خواست نامش فاش نشود، دیگر شروط چین شامل موضع‌گیری منسجم‌تر ایالات متحده و تمایل به پرداختن به نگرانی‌های چین در خصوص تحریم‌های آمریکا و مسأله تایوان است.

این منبع همچنین افزود که پکن خواهان آن است که آمریکا یک فرد مشخص را برای هدایت مذاکرات منصوب کند؛ فردی که از حمایت رئیس‌جمهوری برخوردار بوده و بتواند مقدمات توافقی را فراهم کند که ترامپ و شی جین‌پینگ بتوانند هنگام دیدار خود آن را امضا کنند.

سرنوشت اقتصاد جهانی و بازارهای مالی تا حد زیادی به این بستگی دارد که آیا ایالات متحده و چین می‌توانند راهی برای جلوگیری از یک جنگ تجاری طولانی‌مدت پیدا کنند یا نه. ترامپ از زمان روی کار آمدن، تعرفه‌هایی به میزان ۱۴۵ درصد بر بیشتر کالاهای چینی اعمال کرده و این اقدام باعث تلافی پکن و تهدید به از بین رفتن بخش بزرگی از تجارت بین دو اقتصاد بزرگ جهان شده است. حمله سریع تعرفه‌های آمریکا موجب حمایت گسترده عمومی در چین از اقدامات تلافی‌جویانه شده و به شی جین‌پینگ انگیزه سیاسی داده تا در برابر درخواست‌های مکرر ترامپ برای تماس تلفنی مقاومت کند. ترامپ سه‌شنبه بار دیگر از چین خواست با او تماس بگیرد تا مذاکرات برای حل اختلافات تجاری آغاز شود.

مشخص نیست که چه عاملی می‌تواند به یک گشایش در مذاکرات منجر شود. با اینکه هر دو طرف نشان داده‌اند که برای مذاکره آمادگی دارند، ترامپ به نظر می‌رسد که مصمم است فوراً با شی تماس تلفنی برقرار کند، در حالی که چین می‌خواهد گفت‌وگوی میان رهبران نتیجه مشخصی داشته باشد.

حتی اگر بر سر روند کار به توافق برسند، پرسش‌های بنیادی درباره محتوای هرگونه توافق باقی خواهد ماند. خواسته‌های ترامپ همچنان مبهم است و برای تحقق هدف او مبنی بر متعادل‌سازی تجارت و جذب تولیدکنندگان به آمریکا، لازم است سطح تعرفه‌ها بر چین بالا باقی بماند.

مسیر «دشوار» پیش رو

در حالی که احتمالاً هر دو کشور چین و آمریکا به دلیل فشار داخلی خواهان کاهش نرخ تعرفه‌ها هستند، میشل لم، اقتصاددان چینی گفت: «مذاکرات به احتمال زیاد به کاهش تنش معنادار منجر نخواهد شد.»

او افزود: «اکنون شفافیت بیشتری درباره خواسته‌های چین وجود دارد: احترام، ثبات موضع و یک مذاکره‌کننده مشخص. حالا توپ در زمین آمریکاست که ببیند آیا می‌تواند این خواسته‌ها را برآورده کند یا نه. ولی این همچنان دشوار است، بویژه اگر هدف، مهار رشد چین باشد.»

به گفته این منبع آگاه، مهم‌ترین پیش‌شرط برای هرگونه گفت‌وگو از دیدگاه پکن این است که مقامات چینی باید مطمئن باشند چنین تعاملاتی با احترام انجام می‌گیرد. در حالی که رئیس‌جمهوری آمریکا هنگام صحبت عمومی درباره شی نسبتاً ملایم بوده، سایر اعضای دولتش لحن تندتری داشته‌اند و این باعث شده مقامات پکن نسبت به موضع واقعی آمریکا مطمئن نباشند.

این منبع گفت: «صرف‌نظر از وضعیت در دوره اول ترامپ، مقامات چینی معتقدند او اکنون کنترل زیادی بر دولت خود دارد. در نتیجه، وقتی مقامات آمریکایی اظهارات تندی درباره چین مطرح می‌کنند و ترامپ آن را تکذیب نمی‌کند، مقامات چینی برداشت می‌کنند که رئیس‌جمهوری آن دیدگاه‌ها را تأیید می‌کند.»

اظهارات ونس

در حالی که این منبع به اظهارات مشخصی از سوی مقامات اشاره نکرد، پکن اخیراً نارضایتی خود را نسبت به اظهارات معاون رئیس‌جمهوری، جی‌دی ونس، درباره «دهقانان چینی» ابراز کرده است. لین جیان، سخنگوی وزارت خارجه چین، هفته گذشته این اظهارات را «جاهلانه و بی‌احترام» خواند که واکنشی نادر و مستقیم به یک مقام بلندپایه آمریکایی بود.

علاوه بر درخواست برای پیام منسجم‌تر از دولت آمریکا، مقامات چینی همچنین می‌خواهند بدانند که واشنگتن آماده پرداختن به برخی از نگرانی‌های چین هست یا نه.

> وزارت بازرگانی چین در بیانیه‌ای اعلام کرد که این کشور نرخ تجمیعی تعرفه بر برخی صادرات را ۲۴۵ درصد دانسته و بار دیگر تأکید کرده است که اگر ایالات متحده به آسیب زدن به منافعش ادامه دهد، تا پایان خواهد جنگید

مهم‌ترین آنها، به باور مقامات چینی، این است که آمریکا سیاست‌هایی را برای مهار و سرکوب نوسازی چین اتخاذ کرده است.

آمریکا در سال‌های اخیر کنترل‌های صادراتی خود نسبت به چین را تشدید کرده تا از دستیابی پکن به تراشه‌های پیشرفته و فناوری‌های نو جلوگیری کند. دولت ترامپ دوشنبه شرکت انویدیا را از فروش تراشه H20 در چین منع و درگیری فناوری با پکن را تشدید کرد.

مذاکره‌کننده مشخص

این منبع افزود: «چین همچنین می‌خواهد آمریکا به نگرانی‌های امنیت ملی‌اش، بویژه درباره تایوان، پاسخ دهد. پکن این جزیره خودگردان را بخشی از قلمرو خود می‌داند و متعهد شده در صورت لزوم، حتی با اقدام نظامی، از آن دفاع کند.» به گفته این منبع، چین هیچ اقدامی تحریک‌آمیز درباره تایوان انجام نخواهد داد، اما در صورت تحریک، پاسخ خواهد داد.

در نهایت، پکن می‌خواهد آمریکا فرد مشخصی را برای هدایت مذاکرات منصوب کند. به گفته این فرد، چین ترجیح خاصی برای انتخاب آن فرد ندارد اما می‌خواهد که آن شخص با اختیار و حمایت کامل ترامپ سخن بگوید و عمل کند.

همچنین مقامات چینی درک می‌کنند که ترامپ ممکن است بخواهد شخصاً مذاکرات را هدایت کند. این منبع گفت در حالی که پکن از اینکه ترامپ وقت خود را برای چنین گفت‌وگوهایی صرف کند احساس افتخار می‌کند، اما معتقد است بهترین مسیر این است که مقامات منتخب دو رئیس‌جمهوری مذاکرات را پیش ببرند.

به گفته این فرد، این مؤثرترین راه برای اطمینان از آن است که مذاکرات به یک نشست معنادار بین ترامپ و شی منجر شود.

منبع: Bloomberg

حمله نیروهای سعودی به صعده یمن

خبر

نیروهای عربستان سعودی مناطق مرزی استان صعده یمن را هدف حمله موشکی و توپخانه‌ای قرار دادند.

به گزارش روز چهارشنبه شبکه المسیرة، نیروهای سعودی دیروز مناطقی در شهر مرزی «شدا» در استان صعده واقع در شمال یمن را هدف قرار دادند. بر اساس این گزارش، این حمله تلفاتی نداشته است.

این حمله پس از آن صورت گرفت که هواپیماهای جنگی آمریکا شب گذشته استان صعده را بمباران کردند و در این حملات شهرهای شدا سه بار، آل سالم ۶ بار، کتاف ۴ بار و مجز ۳ بار بمباران شد. جنگنده‌های آمریکایی همچنین ده‌ها بار استان‌های الحدیده، ذمار و البیضاء را در راستای تنش نظامی مستمر که از ۱۶ مارس گذشته آغاز شده است، هدف قرار دادند. در همین حال، خبرگزاری رویترز از تکذیب مشارکت امارات در گفت‌وگوهای مربوط به حمله زمینی آمریکا و متحدان آن به یمن خبر داد.

به گزارش رویترز، در پی انتشار برخی اخبار مبنی بر اینکه آمریکا و متحدان آن در خلیج فارس، در حال بررسی گزینه حمله زمینی به یمن هستند، امارات این خبر را تکذیب کرد. روزنامه آمریکایی «وال استریت ژورنال» در گزارشی نوشته بود: حملات آمریکا به یمن، شبه‌نظامیان یمنی رقیب انصارالله را ترغیب کرده تا آماده عملیات زمینی برای تصرف اراضی تحت کنترل آنها بویژه مناطق ساحلی در دریای سرخ شوند.

این روزنامه مدعی شد که شرکت‌های امنیتی ویژه به گروه‌های یمنی مشورت‌هایی را درباره اجرای عملیات زمینی ارائه کرده و امارات نیز که حامی این گروه‌هاست، طی هفته‌های گذشته این طرح را با مسئولان آمریکایی و یمنی بررسی کرده است.

بدون روتوش

محمدمحسن فایضی
کارشناس مسائل فلسطین

هشدار را جدی بگیرید!

دیروز در حالی که جنگ غزه به ۵۵۵ امین روز خودش رسیده بود و حدود یک ماه از بازگشت به جنگ پس از آتش بسی نسبتاً طولانی مدت می‌گذرد، دفتر رسانه‌های دولتی در غزه در بیانیه‌ای تأکید کرد:

«نوار غزه وارد مرحله فروپاشی انسانی شده است. گرسنگی به سرعت در حال افزایش است، بیمارستان‌ها در آستانه فروپاشی هستند، نانوایی‌ها و ایستگاه‌های آب از کار افتاده‌اند و خطر مرگ و میر دسته جمعی در حال نزدیک شدن است. یک میلیون و صدهزار کودک از سوءتغذیه شدید رنج می‌برند، در میان ناامنی غذایی، کمبود آب، فروپاشی تقریباً کامل نظام سلامت و محرومیت مردم از حداقل نیازهای زندگی، این اشغالگران‌اند که بیش از ۳۷ مرکز توزیع کمک (تکیه‌های توزیع غذا) و ۲۸ بانک نگهداری مواد غذایی را هدف قرار می‌دهند. آنچه در غزه اتفاق می‌افتد یک بحران موقت نیست، بلکه یک جنایت سازمان یافته از گرسنگی است که با همدستی و سکوت بین‌المللی به جنایت جنگی تبدیل می‌شود.»

این وضعیت را در کنار سخنان اسرائیل کاتص وزیر جنگ رژیم صهیونیستی قرار بدهیم که گفته است: «ما در حال آماده شدن برای ایجاد مناطقی برای توزیع کمک‌های بشردوستانه در غزه از طریق شرکت‌های غیرنظامی هستیم. مصر برای اولین بار شرط خلع سلاح حماس را برای پایان دادن به جنگ و انعقاد یک توافق جامع گذاشته است.»

سخنان کاتص نشان می‌دهد که رژیم صهیونیستی به دنبال بهره‌برداری از سلاح کثیف گرسنگی است. سلاحی که از روزهای ابتدایی جنگ از سوی اسرائیل مورد سوء استفاده قرار می‌گرفت اما در یک ماه اخیر بواسطه کاهش فشار و توجهات بین‌المللی و نبود فشار از سوی دولت جدید آمریکا برای ورود روزانه تعداد اندک کامیون غذا و کالا، گرسنگی و کمبود کالا به بی‌سابقه‌ترین شکل خود از ۷ اکتبر ۲۰۲۳ رسیده است.

پس از موفقیت جریان نزدیک به تشکیلات خودگردان در نوارغزه در تکرار راهپیمایی‌ها علیه حماس در قلب غزه (که در دو هفته اخیر دیگر تکرار نشده) صهیونیست‌ها به تحقق استفاده از اهرم امتیازدهی اجتماعی پس از یک تنبیه دسته جمعی امیدوار شده‌اند.

صراحت ادبیات کاتص در ایجاد یک منطقه امن و ورود کالا به آن که احتمالاً خط حائل دو محور موراج و فیلادلفیا (مرز رفح تا پیش از شهر خان یونس) خواهد بود، نشان می‌دهد که تل آویو قصد دارد آخرین شانس‌های خود را پیش از تحقق آتش‌بس احتمالی در هفته‌های پیش رو امتحان کند.

برخلاف برخی تصورات که گمان می‌شود حماس پایان یافته یا با هرشرط آتش‌بس موافقت خواهد کرد، اما رژیم صهیونیستی در حال اجرای کثیف‌ترین فروپاشی اجتماعی با جنایت آمیزترین روش نسل‌کشی یعنی گرسنگی گسترده و بی‌سابقه است. روشی که هرچندتاکنون ملت مقاوم نوارغزه را به تسلیم نرسانده، اما این ظلم بزرگ باید شنیده شود و اجازه داده نشود که چنین روش کثیفی در مرحله اجرا تحقق یابد.